

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم وبر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

سیاسی	Political
-------	-----------

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین، ۶ اگست ۲۰۰۸

تخطئه مفاخر تاریخی افغانستان و منشأ ظهور و تغذیه آن

جهت درک و کشف علل اصلی و بنیادی "بوجود آمدن" و "برپاکردن" پروپاگندها و تبلیغات بیشرمانه "لطیف پدram" و حواریان و اخوات و انصار و ظلمه خرد و کلانش، توجه خواننده ارجمند را به سطور آتی جلب می کنم :

موضوع اسائه ادب به اعلیحضرت امان الله خان غازی از زبان "لطیف پدram" که اخیراً از طریق "یو توب" و سبعا نشر شده، نه کدام امریست منفرد که یکشبه و بدون مقدمه از "آسمان" نازل گردیده باشد، و نه مسأله ایست خاص افغانی، که بدون دخالت اجانب سر دست گرفته شده باشد. به عقیده بنده این موضوع جزئی ناچیز از یک "کلیت" کلان و "ستراتژی" گسترده ایست که در خارج افغانستان طرحریزی شده و قدمه به قدمه و مرحله به مرحله در داخل افغانستان پیاده میگردد. اصل مسأله از "ستراتژی شوونیستی" و "جنون عظمت طلبی" دولتمردان کشور همسایه غربی ما برخاسته. این مسأله که بر "سیطره سیاسی و اقتصادی" بر منطقه استوار است، از زمان رژیم پهلوی بدینسو سر دست گرفته شده و در روزگار آخوندان و ملایان "دین پناه" و در واقعیت امر "دین فروش"، ابعاد وسیعتر و عمیق تر را به خود گرفته است. رژیم "اسلامیستی" آخوندی ایران که پیوسته خواب غیراسلامی "ساسانیان" و "هخامنشیان" را میبیند و در صدد احیای عظمت پارینه "پارس قدیم" برآمده است، پیهام پلان می سازد و طرح می ریزد، تا این خواب رؤیائی را جامه عمل بپوشاند و به اصطلاح جدید و "باللفظ" ترجمه شده از فرنگی، "در عمل پیاده نماید".

مبالغ حاصله از عواید سرشار و سرسام آور نفت، عمامه بصران مسلط بر کشور ایران را هوائی ساخته و ایشان را بر آن داشته، تا سرزمین خود را به "ابرقدرت منطقه" مبدل سازند. این پلان همه ابعاد لازم - از سیاسی و اقتصادی و نظامی گرفته تا فرهنگی و حتی صنعتی و تکنالوژیک - را در بر میگیرد و من درینجا به دو بعد صنعتی و فرهنگی قضیه مختصر اشارتی میکنم :

بعد تکنالوژیک

زمامداران تندرو مذهبی ایران از برکت منافع هنگفتی که از رهگذر نفت - این "طلای سیاه" - در جیب می ریزند، می کوشند که بر وفق پلان های عظمت طلبانه خویش، در پهلوی ساحات اساسی دیگر، به یک "جهش صنعتی" و "تکنالوژیک" نیز دست یابند. انکشاف صنایع و تکنالوژی به صورت عام و "صنعت و تکنالوجی نظامی" به صورت خاص، مطمح نظر رژیم ملایان است. انکشاف، آزمایش و تولید

راکت های نزدیک پرواز و میانه پرواز "شهاب" های رنگ رنگ و درجه به درجه و تجهیز اردوی عظیم ایران با آنها، یکی از نمونه های بارز این تلاش است. تلاش در جهت انکشاف و ساختن اسلحه "ذروی" یا "اتمی" با تکنالوجی خاص و منحصر به چند قدرت ذروی جهان، اوج این جهش تکنالوجیک شمرده میشود. ایران از طریق نیل به تکنالوجی عالی و "های تک" Hightech نظامی میخواید نه تنها خود را به "ابر قدرت" و "زبر قدرت" نظامی منطقه مبدل سازد، بلکه حتی منافع حیاتی و شاهرگ های صنایع جهان پیشتاز و تازنده غرب امپریالستی را نیز تهدید نماید؛ و این را باید "چلنج" و به اصطلاح غلط ایرانی "چالش"ی دانست بس عظیم به این کشورها و امری بس خطرناک برای خود کشور ایران.

بعد فرهنگی

کشور ایران موضوع "قلمرو زبان فارسی" و "قلمرو فرهنگی" و "حوزه تمدنی" را در منطقه ای پیش کشیده، که شامل تمام مناطق فارسی زبان یا قسماً فارسی زبان است؛ از خود ایران گرفته تا افغانستان و تاجیکستان و قسماً ممالک ماوراء النهر و به اصطلاح زیبایی خود ما "پاردریا" و مناطقی از قفقاز و چین و پاکستان و هند.

پیک و برید زمینه ساز پلانهای شووینیستی ایران، پلان های فرهنگی آنست، تا تمام منطقه را از نگاه ذهنی آماده این کار بگرداند. بلی؛ زمامداران یران میخواید منطقه دور و نواح خود را به بهانه "زبان و فرهنگ" و "حوزه تمدنی" و غیره و از طریق تبلیغات وسیع و جهنده مطبوعاتی خویش، ذهن آماده ساخته و سپس پروگرام های بعدی خود را بر آن پهن و تطبیق نمایند.

دولتمردان ایران در نیل به این ستراتژی شووینیستی و توسعه طلبانه خود، به دو مانع عمده بر میخورند:

- ۱ - "تورانیزم" و همبستگی ترکتباران منطقه به رهبری کشور "ترکیه"
 - ۲ - "افغانیت" و موجودیت افغانان و بالاحص "افغانان پشتون" در افغانستان
- پرداختن به موضوع "تورانیزم" و "پان تورکیزم" که سد بزرگی را در برابر "شووینیزم توسعه طلبانه" ملایان ایران تشکیل داده، موضوع بحث ما در این مقاله نیست.
- برای ما افغانان که باشندگان و صاحبان سرزمین سربلند و پرافتخار "افغانستان" هستیم، نکته دومی خیلی مهم و بلکه از اهم امور است. دولتمردان ایران در پیشبرد پلان کلان ستراتژیک خود به سد سیدی برمیخورند، که عبارتست از موجودیت کشوری بنام "افغانستان"، که رول "پشتونها" در آن قطعی و غیر قابل انکار است.

رهبران مذهبی ایران که عروج غلجائیان قندهار و متعاقب آن فتح اصفهان و سقوط دولت صفوی فارس را به دست پرتوان هوتکیان، از یاد نبرده اند، میدانند که در راه نیل به اهداف بزرگ ستراتژیک خود به مانعی بس بزرگ روبرو میباشند و آن "سد"یست سدید و "دژ"یست تسخیر ناپذیر که "افغانان" بصورت عام و "افغانان پشتون" بالاحص در مقابل شان تشکیل داده اند. آری؛ ایرانیان دقیقاً می دانند که "افغانان" بصورت عام و "پشتونان" خاصتاً، حافظ و حامی "افغانستان" اند و تا این دو نیروی لایزال "درهم مندمج" وجود دارند، تسلط عام و تام بر "کشور افغانان" هم از ناممکنات خواهد بود. اینست که با این دژ محکم و سد تسخیر نپذیر با تمام قوه و قدرت باید مقابله کنند و مصاف بدهند.

بر اساس این پلان دیررس و باصطلاح فرنگی "ستراتژیک"، این "سد سدید" و این "دژ مستحکم" باید ویران و یا مسخر گردد، در غیر آن نیل به اهداف شووینیستی و عظمت خواهانه ملایان، خوابی خواهد بود، در عالم خیالات. چون رویارویی مستقیم و بالوسیله برانداختن و "حذف فزیک" یک کشور، در جغرافیای امروزی جهان و نظر به نظمی که بر آن حاکم است، امکان ندارد، پس باید وسائل و راههایی دیگر، جست و جو و پیدا گردند!!!!

مؤثر ترین وسیله برای از میان برداشتن این مانع عظیم، "تخطئه"، "تخریب" و "تضعیف" پشتون هاست؛ با تمام انواع وسائل و امکانات موجود و دستداشته. ازین میان، ارزان ترین - و شاید مؤثر ترین - وسیله، "گماشتن" خود "افغانان" بدین وظیفه است؛ افغانان "نمک حرام"، "نوکر پول"، "گوش به فرمان بیگانه" و افغانان "از خود کش بیگانه پرست".

بنا برین، پیش ازین و نیز به موازات این که افغانستان عزیز توپ فوتبال ابر قدرت های شرق و غرب و ناتو قرار گیرد، دولتمردان مفتن و حیلہ گر کشور ایران پلان های دیررس و ستراتژیک خود را در آن عملی می ساختند و ساخته میروند.

طراح و سازنده پلان "تخطئه و تخریب و تضعیف پشتونان"، دولتمردان عظمت طلب و جنون زده کشور ایران اند، و مجریان عمده روی پرده عبارتند از دو گروه ضعیف النفس افغانی:

- ۱- افغانانی که در آغوش افغانستان و از پول محنت کشان و رنجبران این خاک پاک پرورده شده و اینک در خدمت آخوندان فتنه گر رژیم سیاهپوش کربلائی ایران قرار دارند. این افغانان که شامل طیف وسیعی از

"فرهنگیان" - از ادیب و شاعر و داستان نویس و دانشمند و نویسنده و استاد پوهنتون گرفته تا اهل مطبوعات و وسائل ارتباط جمعی کلاسیک و مدرن - و "دیوانیان" - از کارداران خرده پای سطوح پائین دولتی گرفته تا کارمندان بزرگ سطوح بالائی دولت - و غیره میباشند، از طرق مختلف شکار عُمال جمهوری کربلائی ایران گردیده و مستقیماً و یا که غیرمستقیم در خدمتشان درآمده اند. اینان که همه "دهن پرآب" و "مُعاش بگیر" و "وابسته" این رژیم منحط به اصطلاح "اسلامی" می باشند، شب و روز و وقت و ناوقت خدمات خود را در پیشگاه بادر کربلائی خود عرضه میدارند. وظیفه اینان فقط برهم زدن نظم امور در چوکات دفتر و دیوان و اداره و تدریس و امور اطلاعاتی وطن و افگندن تفرقه و نزاع در بین خلق الله و مردم افغانستان و افغانان خارج از افغانستان است.

۲- افغانانی که به اثر ماجرا های شوم سی ساله اخیر افغانستان در دامان رژیم فتنه انداز ایران غلتیدند و زیر تربیه مستقیم و یا غیرمستقیم این رژیم مفلوک همیشه سوگوار، قرار گرفتند. وظیفه ایشان کاملاً مشخص است و اینان نمیتوانند به مقابل بادر کارفرما و گمارنده خویش، وفادار نباشند. هر دو گروه نمک حرام، زیر رژی مستقیم مقامات و عُمال نمایان و پشت پرده ایرانی، پلانهای رژیم هژمونیست ایران را قدم به قدم و مرحله به مرحله در وطن پدری و مادری خود و نیز در خارج از آن، پیاده میکنند. تقسیم وظائف طوریت که هر کدام به حیث مهره و پرزه ای از یک "ماشینری عظیم"، دست به کارند و کارها و امور محوله خود را با جد و جهد لازم و در خور تنخواه و مزد و پابندی، بسر میرسانند.

نکات محسوس و گوشه های ملموس فعالیت های این دو گروه، از این قرار اند:

- به بازی گرفتن، استهزاء و حتی تحقیر زبان "پشتو"، که یکی از دو زبان بزرگ ملی و رسمی کشور ماست و نیز استهزاء و استحقار عنعنات و سنن و رسوم و رواجهای "پشتونان"، به اسمها و رسمهای نامردانه و منحط

- "انکار از "افغانیت" و وضع و استعمال اصطلاح غیر قانونی و تفرقه افکن "افغانستانی" به عوض "افغان" و بالوسیله تفریق کردن و فرقه فرقه و فریق فریق ساختن و در تقابل قرار دادن باشندگان و تبعه افغانستان، به "پشتون" و "غیر پشتون".

- رد و حذف کلمات و اصطلاحات علمی و نظامی و اداری و دیوانی که از زبان ملی "پشتو" برخاسته و وارد چوکات اداری و دیوانی و تدریسی و مطبوعات و اطلاعات و غیره کشور گردیده اند

- حذف اصطلاحات عام و قبول شده "پشتو" از زبان "دری" به بهانه "سره سازی" زبان فارسی و به این بهانه که: « فارسی زبانان افغانستان باید این حق را داشته باشند که محض به زبان خود بگویند و بنویسند و هیچ کلمه و اصطلاح "بیگانه" را بکار نبرند. » این کار عاقبت نیندیشانه در حالی صورت میگیرد، که منادیان "سره سازی و سره گوئی و سره نویسی" زبان دری، خود هزاران اصطلاح و کلمه عربی و ترکی و هندی و اروپائی را روزمره در تقریر و تحریر خود استعمال میکنند. اینجاست که ضدیت عجیب و غریب و هدفمندانه اینان به مقابل زبان "پشتو" و اصطلاحات متین و پرتمکین این زبان ملی و رسمی و قانوناً همتراز "زبان دری"، به مشاهده میرسد.

- تحقیر نام مبارک "افغانستان" و سعی در تغییر اسم کشور ما از "افغانستان" به "خراسان" و یا "آریانا"

- تخطئه و تحریف تاریخ دوصد و پنجاه سال اخیر کشور ما

- عرضه کردن تاریخ های جعلی و توهین آمیز به نام "تاریخ واقعی افغانستان"، خصوصاً "تواریخی" که نشان انگشت ایرانیان بر آنها بصورت جلی و هویدا دیده میشود

- توهین و استحقار بزرگمردان تاریخ و فرهنگ افغانستان و بالخاصه آنانی که به قوم بزرگ و نجیب پشتون تعلق دارند و نیز آن بزرگانی که در روشن ساختن تاریخ دراز دامن ما، سعیمی بلیغ بخرج داده و سهمی عظیم گرفته اند؛ از قبیل علامه "احمد علی کهزاد"، علامه "عبدالحی حبیبی" و غیره

- توهین به شاهان و امیران افغانستان و بالخاصه توهین به "اعلیحضرت احمد شاه بابای کبیر" - مؤسس و بنیانگذار عالیشان کشور محبوب ما "افغانستان" - و "اعلیحضرت غازی امیر امان الله خان" - محصل و قهرمان استقلال افغانستان؛ استقلالی که به زور شمشیر و سرپنجه شیرگیر ملت قهرمان افغان حاصل گردید

- برجسته ساختن کارنامه دزدان، خائنان و "قهرمانان" کذائی و دروغین، از طریق تجلیل و تبجیل و بزرگداشت و بر سر زبانها انداختن ایشان و دادن القابی از قبیل "عیار" و "سپهسالار" و "قهرمان ملی" و غیره به ایشان

- تبلیغات بیشرمانه از طریق وبسایت های انترنتی نوکر اجانب، جرائد منحط معلوم الحال و رادیوها و تلویزیونهای تفرقه افکن داخل و خارج وطن و پخش ویدئوهای مبتذل و مشمئز کننده از طریق "یوتوب" و غیر

کار مگر در همین جا ختم نمیگردد، بلکه در عرصه های دیگر به اشکال واضحاً مداخلتگرانه ذیل ، هویدا میگردد :

– ساختن شهرک های اقلیت نشین مذهبی در قلب ساکنان بومی غرب و جنوب غرب افغانستان و در همسرحدی بلافصل ایران و بالوسيله وصل کردن نقاط سرحدی ایران با دهلیزی که تا قلب افغانستان کشیده میشود

– ساختن دهلیز و کوریدوری عریض و طویل ، که از سرحد ایران کشیده شده و تا قلب افغانستان پیش میرود و متوطن ساختن آن افغانانی در آن، که با ایران تعلقات و مشترکات مذهبی دارند
– پایبند ساختن افغانان تابع مذهب جعفری افغانستان به حوزه های علمیة "قم" و "مشهد" ایران و برسمیت شناختن آنها به حیث "مراجع تقلید مذهبی". نفوذ این "مراجع تقلید مذهبی" بر هموطنان جعفری مذهب ما در حدیست که بعضاً ساحات سیاسی و اداری افغانستان را نیز در می نوردد. برپا ساختن مراسم "عاشورای حسینی" بشکل وقیح و غیر انسانی آن در افغانستان، سیاهپوش گردانیدن و "میدان کربلا" ساختن شهر و دیار ، از دست آوردهای مستقیم این تابعیت از "مراجع تقلید" ایران است.
در ارتباط نکته آخر شایان تذکر میدانم که :

شاید حدس بسا کسان درست باشد، که تأسیس "حوزه علمیة کابل" به ابتکار آیت الله شیخ محمد آصف محسنی را، نوعی استقلال و رهائی از **چنگال** "مرجعیت تقلید" مذهب جعفری ایران و عراق می شمارند. والله اعلم

این بود رؤوس مطالبی که در همین چوکات می گنجند. هموطنان ارجمندی را که میخواهند گوشه های موضوع را جذری تر و عمیق تر درک فرمایند، به مطالعه مقالات معتدد بنده در این ارتباط ، در پورتال "افغان جرمن آنلاین" دعوت میکنم. این آرشیف در آینده نزدیک، در پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نیز قابل دسترس خواهد بود. برای سهولت کار خواننده خواننده، فهرست یک تعداد مقالات مربوطه این آرشیف را مینویسم :

- ۱ – "افغان، افغانی، افغانستانی" (در چهار بخش)
- ۲ – "رد ادعا های سست بنیاد یک داکتر"
- ۳ – "ورود لغات بی مورد و ناباب در زبان دری"
- ۴ – « "افغانستانی" بیغرض و "افغانستانی" پرمرض »
- ۵ – "دزد سر خود پر دارد و دروغگوی منطق ندارد"
- ۶ – "خائن خائف است"
- ۷ – "درد در کجا و باد و بخارش در کجا؟" (بخش سوم)
- ۸ – "عقده گشائی شاعرانه"
- ۹ – "افغان – افغانیت ، افغانستانی – افغانستانی؟"
- ۱۰ – "افغان یا افغانستانی؟"
- ۱۱ – "تبدیل نام افغانستان نه دردی را دوا میکند و نه عملی و امکان پذیر است"
- ۱۲ – "حکم محکمه تاریخ در مورد زبان ستیزان – تاریخ بی پرواست و بر هیچ کس رحم نمیکند!"
- ۱۳ – "حامی افغانستان – افغانان اصیل ، افغانان اصیل – حامی افغانستان"
- ۱۴ – "رد ادعاهای دو استاد "یگانه" – دو "استاد"ی که یک گپ "حسابی" هم نزدند"
- ۱۵ – "دکنتاتوری فرهنگی ایران بر قلمرو زبان فارسی"
- ۱۶ – « دانشگاه بجای پوهنتون – عشق به "دری" یا نفرت از "پشتو"؟؟؟»
- ۱۷ – « تشکیل "انجمن حفظ و پرورش زبانهای ملی" – پیشنهاد به حکومت افغانستان »
- ۱۸ – "صدور انارشی زیر نام حمایت از دموکراسی – هیاهو از خارج رهبری میگردد"
- ۱۹ – "اندر باب دری افغانستان و فارسی ایران"
- ۲۰ – "اختطاف و استراق نام ها – چرا ایران نامهای تاریخی ما را از آن خود میسازد؟؟؟"
- ۲۱ – "نفوذ زبان پشتو در دری افغانستان – آیا زدودن کلمات پشتو از دری امکان دارد؟؟؟"
- ۲۲ – « گذری انتقادی بر جلد سوم "دانشنامه ادب فارسی" – دانشنامه یا توهیننامه؟؟؟»
- ۲۳ – « ولسی جرگه یا مجلس نمایندگان؟؟؟ – شورا یا مجلس؟؟؟ – یورش فرهنگی جمهوری سیاهپوش ایران بر افغانستان!!!»